

سووشون؛ مخاطب گریز ترین سریال شبکه نمایش خانگی

■ گروه فرهنگ و هنر – با توجه به محتوای پرکشش خاتون و توانایی تینا پاکروان در پرداختن به شخصیت زن اصلی و روایت‌های تاریخی ، اگر مسئولیت اقتباس سووشون نیز بر عهده او قرار می‌گرفت، امروز شاید با نمونه‌ای درخور و ماندگار روبه‌رو بودیم. اما نتیجه موجود چیزی جز سریالی خواب‌آور، بیهوده کش داده‌شده و پرهزینه نیست؛ اثری که نه تنها از بار تاریخی خود تهی شده، بلکه مخاطب را نیز در میانه راه خسته و دلزده رها می‌کند.

سوشون صوتی: وقتی صدا از داستان جلو می‌زند مشکل اینجااست که نمادهای زیبا و پر معنای سریال، از گندم و گوشواره گرفته تا دارالمجانین و زندان، به دلیل سبک فیلم‌برداری و روایت، به سختی به مخاطب منتقل می‌شوند. در نتیجه، بیننده نه با شخصیت‌ها و نه با پیام‌های داستان ارتباط برقرار می‌کند و تجربه‌ای پراکنده و خسته‌کننده‌ای را تجربه می‌کند.

در قسمت پنجم سریال «سووشون» نقاط ضعف فنی و انتخاب‌های بحث‌برانگیز بازیگری بیش از محتوای داستان به چشم می‌آید. از جمله بزرگ‌ترین ضعف‌ها، کیفیت دوبله و صداگذاری است؛ جایی که دیالوگ‌ها نه تنها طبیعی به گوش نمی‌رسند، بلکه گاه چنان بی‌رویه و مصنوعی هستند که به وضوح مشخص است صدای بازیگران در صحنه ضبط نشده‌است.

افکت‌های صوتی نیز گاهی با شدت و بی‌موقعی به کار گرفته می‌شوند، به گونه‌ای که به جای تقویت حس واقع‌گرایی، انسجام صوتی سریال را به چالش می‌کشند و تماشاگر را از تجربه‌ی داستان غرق در تاریخ دور می‌کنند.

تیم صداگذاری تلاش کرده است مخاطب را به «سووشون صوتی» تبدیل کند، جایی که صداها بیش از آنکه روایتگر باشند، خودنمایی منتقل نمی‌کند، بلکه فضایی دلیل باز و بی‌اثر جلوه می‌دهد؛ در شیوه مستندنمایی، رنگ‌ها عمداً طبیعی انتخاب شده‌اند تا همه چیز واقعی جلوه کند، اما این «واقع‌گرایی» با اشتباهات تاریخی مکرر همراه شده و نتیجه چیزی نیست جز اینکه شاهد یکی از مخاطب‌گریزترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی.

برای نمونه، در صحنه مسواک‌کاری، سازندگان تصمیم گرفته‌اند از نور طبیعی محیط استفاده کنند و در مهمانی قسمت قبل، نور گرم و سنگین به کار رفته تا سنگینی فضا حس شود. اما این «تکنیک‌ها» نه تنها جذابیتهی به سریال اضافه نکرده‌اند، بلکه بیش‌تر به یک تمرین بصری بی‌فایده شبیه‌اند. حتی در برخی صحنه‌ها دوربین با زوم نزدیک روی چهره خاتم طباطبایی قرار می‌گیرد تا حس «تزلزل و اضطراب

شخصیت» منتقل شود؛ اما پرسش این است که آیا این تلاش‌ها در عمل به مخاطب رسیده یا صرفاً یک تمرین نمایشگری روی صفحه مانیتور بوده است؟

سریال یا پرورش و آموزش فیلم‌برداری؟

در نگاه نخست، این انتخاب‌ها بیشتر شبیه وسواس بیهوده کارگردان در جزئیات جلوه می‌کنند تا هنر واقعی. اما مشکل اصلی فراتر از این است: مجموعۀ این تکنیک‌ها، به جای آن‌که در خدمت روایت باشند، بیش‌تر توجه مخاطب را به خود جلب می‌کنند. نتیجه، تجربه‌ای است که بیشتر شبیه مرور یک پرورش و آموزش فیلم‌برداری است تا غرق شدن در داستان.

خدا به مخاطب صبر بدهد!

به این ترتیب، «سووشون» که می‌توانست با استفاده از این امکانات فنی به عمق قصه بیفزاید، آن‌ها را به عنصری تزئینی تبدیل کرده که فاصله بیننده و روایت را نه تنها کم نمی‌کند، بلکه بیشتر می‌کند. تجربه تماشای سریال را به تلاش برای تحمل آن بدل می‌سازد.

پس انتشار قسمت هایی از سریال «سووشون»، همچنان پرسش اصلی مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی تکرار می‌شود: داستان دقیقاً از کدام قسمت سریال آغاز شود؟

خواب‌آور ترین مقدمه تاریخ سریال‌سازی؟

با پخش قسمت جدید این سریال، همچنان بزرگ‌ترین معمای مخاطبان این است که «داستان این سریال بالاخره کی قصد شروع دارد؟» گو یا پنج قسمت اول نه برای روایت، بلکه برای رکوردشکنی در «طولانی‌ترین مقدمه تاریخ سریال‌سازی» ساخته شده‌اند.

شروع کشدار یا آزمون تحمل بیننده؟

به جای کشش و پیشرفت، شاهد صحنه‌هایی هستیم که باطمأنیه‌ای مثال‌زدنی، از هر گونه ارائه رویداد هیجان‌انگیز دوری می‌کنند؛ گویی هدف اصلی «سووشون»، تمرین و سنجش صبر مخاطبان شبکه نمایش خانگی بوده‌است.

طبیعی است که بسیاری در شبکه‌های اجتماعی، این شروع کشدار را نه گرم و گیرا، که خواب‌آور و بی‌ررق نامند.

زری آماده شد، اما مخاطب هنوز خواب است

بخش بزرگی از مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی، این شروع چندین قسمتی را خسته‌کننده و بی‌ررق توصیف کرده‌اند. قسمت پنجم «سووشون» بالاخره بخشی از پیش‌زمینه‌ها را کامل می‌کند و «زری» را به نقطه‌ای می‌رساند که باید دستخوش تحول شود. اما همچنان شخصیت‌ها و روایت موقعت‌پیش نمی‌روند. پرسش اینجااست: چرا باید برای رسیدن به سکون‌های تکراری پنج قسمت تمام منتظر ماند؟ این تأخیر فرسایشی بیش از هر چیز، ضعف آشکار ساختار روایی را به نمایش می‌گذارد.

نمادگرایی تا حد خفگی روایت: نمادهای تکراری؛ نفس روایت را گرفتند

سازندگان به جای پیشبرد قصه، سریال را در نمادگرایی افراطی غرق کرده‌اند؛ از گندم و گوشواره گرفته تا تور اجباری در دارالمجانین و زندان. نشانه‌ها و نمادها آنقدر پررنگ و تکراری‌اند که بیشتر از آنکه داستان را عمیق‌تر کنند، مثل کشیدن یک جمله روی صفحه خالی، روایت را بی‌دلیل طولانی کرده‌اند. نتیجه این سریال روایتی است که به جای جان گرفتن، در میان نمادها نفس‌تنگی می‌گیرد.

ضرب آهنگ کند، صبر مخاطب طاق

اغلب کاربران فضای مجازی این روزها تنها به نقد روایی «سووشون» ابراز نمی‌گیرند؛ بلکه کیفیت فیلم‌برداری را هم به فهرست شکایات خود اضافه کرده‌اند. ایرادی که نه با تحلیل فرمی قابل توجه است و نه با تئوری‌های هنری می‌توان آن را نادیده گرفت. تصویربرداری نه تنها چشم را خسته می‌کند، بلکه رشته ارتباط عاطفی و بصری مخاطب با اثر را هم می‌برد.

«سووشون» می‌توانست با ضرب‌آهنگی پرکششی آغاز شود، اما مسیر خود را با کندی، تأخیر و فاصله‌گذاری ناخواسته از بیننده شروع کرد.

یادگست تصویری: وقتی سریال شبیه ضبط صدای شود

نرگس آبیار، کارگردان اثر، ظاهر تصمیم داشته فضای مستندگونه‌ای



زری: از قهرمان آزادبخواه در کتاب تا زن محافظه‌کار در قاب تلویزیون

از سوی دیگر، اقتباس از رمان سیمین دانشور هنوز توانسته برخی نقاط مثبت خود را حفظ کند. روابط شخصیت‌ها، خاطرات و دیالوگ‌ها، در بعضی لحظات با وفاداری به متن اصلی، حس داستان‌گوتر بودن را منتقل می‌کنند. با این حال، این وفاداری زمانی ارزش خود را از دست می‌دهد که ضعف‌های فنی و دوربین‌کاری پرشتاب، انسجام بصری و درام اثر را کاهش می‌دهند.

یکی از مشکلات اساسی پنج قسمت ابتدایی، تطبیق ناقص شخصیت‌ها با رمان است. شخصیت زری که در کتاب به فردی آزادبخواه و کنشگر تبدیل می‌شود، در سریال همچنان همان زن محافظه‌کار و منفعل باقی مانده‌است. این عدم تحول شخصیتی، مسیر اصلی داستان و تجربه تماشاگر را تضعیف می‌کند و باعث می‌شود وفاداری سازندگان به متن اصلی زیر سوال رود.

ضعف‌های فنی سریال نیز قابل چشم‌پوشی نیست. فیلم‌برداری پرشتاب، زوم‌های مداوم و حرکتهای بی‌هدف دوربین به جای تقویت درام، باعث حواس‌پرتی و خستگی مخاطب می‌شود. نکته تامل‌برانگیز آن است که با وجود تیم حرفه‌ای و بودجه قابل توجه، ظاهراً هیچ کس در جریان تولید نسبت به این سبک تصویربرداری اعتراض نکرده یا پیشنهادی ارائه نداده است. صحنه‌هایی که باید حس تمرکز و آرامش روی شخصیت‌ها را منتقل کنند، بالزش‌های غیرضروری و حرکتهای نامعقول دوربین همراه شده‌اند و تجربه بصری را مختل می‌کنند.

در مجموع، پنج قسمت ابتدایی «سووشون» نشان می‌دهد که بازیگری غیر قابل قبول همه بازیگران و وفاداری نسبی به متن اصلی هنوز موجب مخاطب‌گریزی مخاطبان شده است. عدم تحول شخصیتی زری و ضعف‌های فنی تصویربرداری، انسجام روایت و جذابیت سریال را به شدت کاهش داده است. برای نزدیک‌تر شدن اثر به قدرت روایت رمان و جلب رضایت مخاطب، اصلاحات اساسی در زمینه فیلم‌برداری، انسجام شخصیت‌ها و واقع‌نمایی صحنه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

باتوجه به محتوای پرکشش خاتون و توانایی تینا پاکروان در پرداختن به شخصیت زن اصلی و روایت‌های تاریخی، اگر مسئولیت اقتباس سووشون نیز بر عهده او قرار می‌گرفت، امروز شاید با نمونه‌ای درخور و ماندگار در کارنامه نماواروبه‌رو بودیم. اما نتیجه موجود چیزی جز سریالی خواب‌آور، بیهوده کش داده‌شده و پرهزینه نیست؛ اثری که نه تنها از بار تاریخی خود تهی شده، بلکه مخاطب را نیز در میانه راه خسته و دلزده رها می‌کند.

نقش فعالی ایفا کرده است. با این حال، سریال به رغم اختصاص دادن یک اپیزود کامل به این موضوع، بیشتر به سطح‌بندی‌های ظاهری بسنده می‌کند و از پرداخت دقیق به وجوه سیاسی و تاریخی ایل مهم غفلت می‌کند. شخصیت‌های مرتبط با ایل، به جای آنکه عمق و پیچیدگی تاریخی داشته باشند، به شکل تیپیکال و کلیشه‌ای معرفی می‌شوند و عملاً فرصت نمایش واقعی فرهنگ و ایستادگی تاریخی این ایل از دست رفته است.

هزینه بالا، بهره کم؛ سریال در حسرت استاندارد ملی تغییر مکرر بازیگران در نقش‌های اصلی و بی‌ثباتی مسیر داستان، علاوه بر ایجاد گسست در روایت، نشان‌دهنده فقدان مدیریت دقیق و انسجام در روند تولید است. این تغییرات باعث شده شخصیت‌ها هویت واحد و قابل اتکایی نداشته باشند و تماشاگر در مواجهه با روایت پراکنده و سردرگم‌کننده، نتواند با قصه ارتباط عاطفی برقرار کند.

سریال، با وجود هزینه‌های بالا و ظرفیت بالقوه برای بازنامایی فرهنگ، ساختار نظامی و نقش تاریخی ایل قشقایی، هنوز نتوانسته از پتانسیل خود بهره‌برد.

ضعف‌های فنی و پراکندگی روایی نه تنها کیفیت اثر را پایین آورده، بلکه به طور غیرمستقیم، تصویر تاریخی و فرهنگی ایل را نیز مخدوش کرده است.

در نهایت، «سووشون» در وضعیت کنونی بیشتر شبیه یک پروژه نیمه‌کاره و پراکنده است تا یک سریال ملی و تاریخی قابل توجه. تنها

امید به بهبود اپیزودهای آینده باقی مانده است، هرچند به نظر می‌رسد اصلاحات جدی در صداگذاری، فیلم‌برداری و انسجام روایی برای رسیدن به استاندارد یک اثر ملی ضروری خواهد بود.

حذف و اضافه سترای تأثیر در سووشون خواب‌آور

با انتشار پنج قسمت ابتدایی سریال «سووشون»، مشخص شد که حتی مداخله سترادر قالب حذف و اضافه چند پلان و سکانس نیز نتوانسته روند بی‌کیفیت سریال را تغییر دهد.

با این حال، ضعف‌های فنی سریال در صحنه‌های رودخانه بیش از پیش برجسته می‌شود. صحنه‌ای که دو شخصیت دیگر در رودخانه غرق می‌شوند، با اکثش‌های غیرواقعی و دوراز باور همراه است. حتی برای مخاطبانی که تجربه ماهی‌گیری در رودخانه‌های عمیق ایران را دارند، نحوه ایستادن و استفاده از لانه توسط شخصیت‌ها با واقعیت فاصله قابل توجهی دارد. این امر، علیرغم تلاش سریال برای خلق هیجان، تجربه تماشاگر را مختل می‌کند و بر طبیعی بودن روایت لطمه وارد می‌آورد.

معرفی دفاتر املاک جزیره کیش



املاک کارا

۰۹۳۴ ۷۶۹ ۸۰۸۵

صادقی

بلوار فردوسی ، ویلاهای مروارید
واحد ۷۱۰



املاک قصر هخامنشیان

۰۹۳۴ ۷۶۸ ۵۰۸۰
۰۷۶۴۴۴۲۵۰۸۰

محمدی

بلوار فردوسی ، ویلاهای مروارید
واحد ۷۱۷



املاک خانه لوکس

۰۹۳۴ ۷۶۸ ۴۴۶۸
۰۲۱-۸۲۸۰۴۴۶۸

نهنگی

شهرک صدف ، خیابان کرمان
ساختمان بساک ، طبقه اول، واحد۲۱



املاک اسکان

۰۷۶ ۴۴۴ ۲۱۸۲۰
۰۹۳۴ ۷۶۹ ۲۳۳۰
۰۹۳۴ ۷۶۹ ۱۶۷۶

موصلانی – کوه شهری، بلوار فردوسی
ویلاهای مروارید ، واحد ۷۰۱



محل معرفی
دفاتر املاک شما

۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹



املاک پژواک

۰۹۳۴ ۷۶۹ ۹۴۰۰
۰۷۶-۴۴۵ ۷۲۲۷۲-۳

محلوجی

شهرک صدف، فاز۲، مرکز خرید گلستان
غرفه ۴۱ و ۴۲



املاک آئیل

۰۹۳۴ ۷۶۹۴۴۲۱
۰۷۶-۴۴۴ ۲۴۴۸۰

سهرابی

بازارچه حافظ ، پلاک ۸



املاک مرکزی

۰۷۶ ۹۱۰۰ ۷۰۰۰

بصیری

روبروی پردیس یک ، ساختمان تجاری
ایران زمین ، طبقه فوقانی ، اسکیپرز

جهت درج آگهی ثبت شرکته‌ها در روزنامه محلی اقتصاد کیش

به نشانی: روبروی دادگستری قدیم کیوسک احمد نیک پور مراجعه فرمائید

۰۹۳۴۷۶۸۰۹۷۷